



نسبت سنجی استراتژی آمریکا و اسرائیل در بهره برداری گروهک های تجزیه طلب کردی و عدم پایداری امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

آرام مریوانی، عبدالرحمن حسینی فر، فرامرز میرزازاده احمدبیگللو^۳

۳۵

دوره ۹، شماره ۴، پیاپی ۳۵
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۹/۰۸

صص: ۲۴-۷

شابا چاپ: ۴۵۶۵-۲۵۸۸
الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



چکیده

امنیت ملی هر کشوری تابعی از مجموعه تحولات داخلی و تحرکات حادث در محیط امنیتی آن است. بعد از تشکیل حکومت فدرالی در اقلیم کردستان، قدرت و نفوذ کردها در داخل عراق افزایش یافت. از سوی دیگر برخی کشورهای فرامنطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی و آمریکا بانگاه راهبردی به موقعیت اقلیم کردستان، حضور بی سابقه‌ای در اقلیم پیدا کردند و از استقلال آن حمایت می‌کنند و وجود جریان‌های تکفیری تروریستی و سایر گروه‌های تروریستی در کشور عراق می‌تواند در صورت گسترده شدن فعالیت این گروهک، در مناطق غرب ایران تاثیرگذار باشد. این جستار با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی استراتژی آمریکا و اسرائیل بهره برداری از شکاف‌های قومی و مذهبی مناطق کرد نشین در عدم پایداری امنیت ملی ج.ا.ا. پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران از منظر امنیت ملی در قبال گروهک‌های کردی در سال‌های اخیر تا حدود زیادی متأثر از متغیرهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در زمینه تقویت گروه‌های تجزیه طلب کردی با هدف موازنه ی قوا و ایجاد موانع در برابر نفوذ منطقه‌ای ایران بوده است. استراتژی آمریکا و اسرائیل در بهره برداری از شکاف‌های قومی و مذهبی برای راه اندازی جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه و تقویت حضور دائمی نیروهای نظامی و اطلاعاتی خود در مرزهای غربی ایران می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، امنیت ملی، گروه‌های تجزیه طلب کردی، متغیرهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسایل ایران، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hassanifar@yahoo.com

۳. گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

بدون تردید موضوع "تروریسم" و اقدامات "تروریستی" تهدیدی فراگیر و مخرب علیه صلح و امنیت پایدار جهانی به شمار می رود. امروزه خشونت ها و آسیب های وارد از جانب گروههای تروریستی به حدی امنیت ملی کشورها را به مخاطره انداخته که جامعه بین المللی را به تکاپو برای مقابله و رویارویی با این پدیده شوم جهانی وا داشته است اگر چه این مبارزه به طرق مختلف در دههای اخیر تقویت پیدا کرده است ولی همچنان شاهد بروز و ظهور گروههای تروریستی جدیدی در سطح جهان به ویژه در منطقه خاورمیانه هستیم لذا ضروری است برای مقابله و ریشه کنی فعالیت های خشن و افراطی گروههای تروریستی از جمله گروه تروریستی پ. ک. ک (حزب کارگران کردستان)، ظرفیت های موجود جامعه بین المللی مورد شناسایی قرار گرفته و راهکارهای مناسب از سوی جامعه بین المللی اتخاذ گردد. استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق در راستای منافع بلندمدت اسرائیل و آمریکا در منطقه و در تداوم تحقق اهداف استراتژیک و گسترش نفوذ آنان در مرزهای غربی ایران می باشد. حضور آنان در این اقلیم و حمایت همه جانبه شان از اقدامهای نظامی گروه های تجزیه طلب کومله، دموکرات و پژاک که در کردستان عراق و در نزدیکی مرزهای کردستان ایران استقرار دارند، موجب بحران قومی و تضعیف تمامیت ارضی مناطق گردنشین ایران شده است. فعالیت های گروه های معارض همواره دستاویز دولت های ذینفع در رقابت یا مقابله با رقبا و دشمنان منطقیهای آنان بوده است. علت عمده گرایش گروه های معارض به قدرت های ثالث را باید ریشه در توان اندک این گروه ها در مقایسه با قدرت دولت ها دانست. در واقع، هیچ کدام از گروه های معارض در منطقه در حد و اندازهای نبوده اند که بتوانند به تنهایی جنگی منظم و رسمی را علیه دولت ها اداره کنند. پژاک نیز مانند اسلافش از این قاعده مستثنی نیست. عمده روابط بین المللی این گروه تروریستی به ارتباط با دشمنان جمهوری اسلامی محدود می شود. در این بین، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا در درجه اول و اتحادیه اروپا در وهله بعد، متحدان رسمی و غیررسمی این سازمان تروریستی هستند. کمک های مالی، تسلیحاتی، آموزشی و اطلاعاتی دولتهای مذکور بسته به توان ضربه زنی این سازمان به جمهوری اسلامی ایران و اهداف راهبردی این دولت ها، متفاوت و متغیر است (Dimore, 2006: 3). استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق از طریق تهدیدهای فرهنگی، تهدیدهای سیاسی (مطالبات قومی و

تجزیه طلبانه، قومیت و هویت، ناسیونالیسم قومی، فدرالیسم عراقی) و تهدیدهای اقتصادی موجب تضعیف انسجام ملی مناطق گردنشین ایران شده است. علاوه بر پرداختن دقیق به مسائل کمی و کیفی موانع و آسیب‌های گروهک‌های کردی بر عدم پایداری امنیت ملی، به صورت موشکافانه به دنبال راهکارهای ایجاد و تقویت ظرفیت در نهاد تصمیم ساز و تصمیم گیر در سیاست‌های کلان مرتبط با حوزه امنیت ملی بوده و یک پل ارتباطی مطمئن و کار ساز با عنوان ساخت اجتماعی و قومی - سیاست گذاری در قبال گروهک‌های کردی، امنیت ملی را به عنوان مولفه‌های اصلی و تاثیر گذار در این حوزه مطرح می‌نماید تا با بوجود آمدن زیر ساخت‌های امنیتی لازم و کارآمد در زیرساختها و توسعه ی اقتصادی مناطق گردنشین ایران به عنوان موتور محرک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بتواند زمینه‌های پایداری امنیت ملی و امنیت زدایی از مناطق گردنشین و تلقی آنها به عنوان مناطق فرهنگی را فراهم آورد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- حزب حیات آزاد کردستان (پژاک):

حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) یک گروه شبه نظامی است که در سال ۲۰۰۴ م در کردستان ایران تشکیل شد. این حزب از این سال به بعد تلاش‌های سیاسی و نظامی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران شروع کرد و خود را شاخه ایران حزب کارگران کردستان ترکیه یا -پ ک ک- معرفی نمود. پژاک با حمایت مستقیم سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای فرامنطقه‌ای تشکیل شده و در جدار مرزهای شمال غربی به تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران تجاوز می‌کند. (رجبی، ۲۰۱۹: ۲۷-۵۲)

۱-۲- کردستان عراق:

ساختار بنیادین منطقه کردستان عراق چهار متغیر دارد: مرز که مجموعه ی امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند. ساختار آنارشیک و مجموعه ی امنیتی منطقه ای از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده و قطبیت بیان گر ساختار و توزیع مادی قدرت در نظریه ی مجموعه ی امنیتی منطقه ای کردستان و ساخت اجتماعی که مبتنی بر الگوهای دوستی و دشمنی میان گروهک‌های کردی تجزیه طلب و نظام جمهوری اسلامی است. مجموعه ی امنیتی منطقه ای از این رو در

این پژوهش مورد توجه قرار خواهد گرفت که استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق ابعاد مختلف امنیت ایران و سایر کشورهای دارای سکنه ی کرد را تحت تاثیر قرار داده و موضوع قومیت را به معضلی کلیدی برای ایران و کشورهای دارای قومیت کُردنشین تبدیل نموده است.

۲- مبانی نظری

امنیت یکی از مهم ترین و اساسی ترین نیازهای بشری است که مفهوم آن با هستی و وجود انسان پیوندی ناگسستنی دارد. انسان برای بقا در نظام هستی ناگزیر است نیازهای خود را برآورده سازد و تأمین این نیازها جز در سایه امنیت صورت نمی گیرد. اهمیت این موضوع تا آنجاست که امام صادق(ع) میفرماید: «امنیت از اموری است که بدون آن انسان نمیتواند از زندگی لذت ببرد. مجموعه امنیتی خاورمیانه از زمان شکل گیری آن در سال ۱۹۴۵-۱۹۴۸ تا کنون همواره دستخوش منازعات و درگیری های قومی، مذهبی و ایدئولوژیکی بوده است. این امر باعث شکل گیری الگوی روابط منازعه آمیز و دشمنی در منطقه خاورمیانه شده است. تاکید بر سطح منطقه به عنوان یکی از سطوح اصلی تحلیل در مباحث امنیتی مدت هاست که مورد توجه پژوهشگران مطالعات امنیتی قرار گرفته است. مناطق، پس از پایان دوران استعمارزدایی و استقلال بیشتر آنها از ساختار چندقطبی اروپایی به عنوان یکی از زیر سیستم های اصلی اهمیت زیادی در روابط بین الملل پیدا کرده اند. بعد از جنگ سرد چالش های جدید امنیتی از قبیل تروریسم، تکثیر سلاح های کشتار جمعی، جرایم سازمان یافته فراملی و مهاجرت غیر قانونی، دستور العمل امنیتی را توسعه بخشیدند. در این دوران بود که توجه وی به مناطق به عنوان اشکال دیگر امنیت پیدا شد. مجموعه امنیتی منطقه ای، در یک نظام بین الملل دارای ساختار آنارشیک که به حد کافی بزرگ و از نظر جغرافیایی پیچیده است یک زیر ساختار مورد انتظار خواهد بود، زیر ساختاری که در ارتباط با قطب بندی در سطح نظام بین الملل آثار واسط مهمی دارد. این امر باعث می شود تا نظریه مزبور با جریان اصلی رئالیستی و تفکرات لیبرال در باب نظام بین الملل همسو و همراه باشد. (Andreea Stoian, 2019)

از منظر دیگر، نظریه فوق ریشه های سازنده گرایانه دارد، زیرا شکل گیری مجموعه امنیتی منطقه ای به الگوهای روابط دوستی و دشمنی میان واحدها مرتبط است. در واقع، این امر باعث

می شود نظام های منطقه ای به اقدامات و تفاسیر بازیگران و نه صرفا بازتاب مکانیکی توزیع قدرت وابسته باشد. امنیت جامعه گانی به پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی، در عین تحول آنها در محدوده های قابل قبول باز می گردد. (بوزان، الی و یاپ، ۱۳۹۴)

بوزان منظومه ی قدرت را تابعی از مناطق میدانند و معتقد است که «منظومه ی قدرت توجه محوری به جایگاه مناطق و اهمیت ژئوپلیتیک آنها در منظومه ی قدرت جهانی است و تحلیل ها نمی تواند در سطوح کلان و خرد پاسخگوی مناسبی در تغییرات ایجاد شده در ابعاد و مرجع امنیت باشد. (Buzan, B., Waever, O., 2015).

۳- ابعاد منطقه ای و فرامنطقه ای امنیت جمهوری اسلامی و فعالیت های گروهک های کردی تجزیه طلب

مسئله کردها یکی از مسائل مهم سیاسی خاورمیانه است که ابعاد منطقه ای و فرامنطقه ای گسترده ای پیدا کرده است و تحولات آن تاثیر زیادی بر مناطق پیرامونی دارد. نکته حایز اهمیت اینکه دخالت قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای نقش مهمی در تحولات این منطقه داشته و در طول چند دهه گذشته این دخالت ها کاملا آشکار بوده است. تحولات منطقه به ویژه پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، فرصت ها و چالش هایی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است که بررسی آن ضروری می نماید.

موقعیت ژئوپولیتیک، سیاسی، تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کردستان امروزی عراق در باب مناسبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و . . . در بستر تاریخ در هم تنیده شده است؛ به گونه ای که امتزاج میان این حوزه ها را می توان در عصر جدید مشاهده کرد. یکی از مناطقی که از تأثیرگذاری و اهمیت بالایی در عراق جدید برخوردار است، مرزهای غربی کشور کمربند قومیت هاست که با قومیت مشابه در آن سوی مرزها (اقلیم کردستان عراق) در تعامل هستند. (رهنما، ۱۳۸۸) برای این که مرزها در حوزه ی مسائل قومی ایمن شود، باید اقلیت های قومی را در قدرت سیاسی مشارکت داد و بسترهای توسعه ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را فراهم ساخت. عامل اصلی اعتراض ها و تحرک های قومی که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در مناطق کردنشین ایران رخ داده، نارضایتی از نظام سیاسی و تضییع حقوق کردها در قبل از انقلاب اسلامی بوده است. (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۵)

از این رو باید برای کاهش تهدیدهای امنیتی ناشی از حضور اسرائیل و آمریکا در اقلیم کردستان عراق به نقش قومیت ها در نظام اداری به ویژه در مناصب سیاسی توجه نمود. نگاهی که مبتنی بر اعتماد و نه بی اعتمادی باشد. این استان از جمله مناطق کُردنشین است که در صورت فقدان انسجام داخلی به راحتی از ناحیه ی تهدیدهای خارجی آسیب پذیر می باشد و پیشینه ی این استان نیز گواهی بر این مدعاست. منطقه خودمختار کردستان محسوب می شود که در پرتو واقعیت های ژئوپولیتیک، بررسی فرصت ها و چالش هایی را که پیش روی جمهوری اسلامی ایران را ضروری نموده است. کشورها برای سازمان دهی سیاسی فضای جغرافیایی خود، یکی از انواع مختلف الگوهای تک ساخت یا بسیط، فدرالی، خود مختاری و خودگردانی را به کار می گیرند. کشور عراق بعد از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی، با نگرش جدید حاکمان آن به واقعیت های جغرافیایی، فرهنگی، قومی و زبانی این کشور و در نظر داشتن تجربه دوازده ساله خودگردانی کردها در شمال این کشور در طول دهه ۹۰ میلادی، الگوی فدرالیسم را برای اداره کشور انتخاب کرد. در این راستا تاکنون کردهای عراق توانسته اند در سه استان کُردنشین شمالی این کشور یک ایالت فدرال را تأسیس کنند. (Munoz, Carol, 2017)

جدول ۱- تهدیدهای گروههای تجزیه طلب کُردی در مناطق کُردنشین استان ایران

ردیف	تهدیدهای حزب کومله، دموکرات و پژاک
۱	قرابت تفکر صهیونیسم و کُردایتی (کُردگرایی) در واگذاری ماموریت صهیونیسم به کُردها
۲	تاثیر روانی تصویب نظام فدرالی در قانون اساسی عراق بر تشدید اندیشه ی تجزیه طلبی مشابه اقلیم کردستان عراق
۳	استقرار پایگاههای نظامی و نیروهای آموزش دیده در این اقلیم با هدف تهدید زا کردن مناطق مرزی کُردنشین ایران
۴	تشدید اقدامهای نظامی آنان در مناطق کُردنشین ایران پس از ایده ی استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق
۵	ترویج قومیتگرایی، تجزیه طلبی و تاسیس خودمختاری در مناطق کُردنشین ایران و براندازی جمهوری اسلامی
۶	نامنسازی و تصرف تدریجی مناطق مرزی کُردنشین ایران با حمایت اسرائیل و آمریکا و سوءاستفاده از موقعیت جغرافیایی این اقلیم
۷	نفوذ در میان دانشجویان کُرد با هدف روشننگری مشکلات جامعه ی کُردی در مناطق کُردنشین ایران

۴- سیاستگذاری گفتمان امنیتی جمهوری اسلامی ایران تهدیدهای حضور اسرائیل و آمریکا

در قبال گروهک های کردی

گروهک های کردی تجزیه طلب همان اندازه که برای منطقه خاورمیانه چالش برانگیز می باشند برای ایالات متحده و اسرائیل و هم پیمانان آنها یک فرصت محسوب می شوند. استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق در راستای منافع بلندمدت اسرائیل و آمریکا در منطقه و در تداوم تحقق اهداف استراتژیک و گسترش نفوذ آنان در مرزهای غربی ایران می باشد. حضور آنان در این اقلیم و حمایت همه جانبه شان از اقدامات نظامی گروه های تجزیه طلب کومله، دموکرات و پژاک که در کردستان عراق و در نزدیکی مرزهای کردستان ایران استقرار دارند، موجب بحران قومی و تضعیف تمامیت ارضی مناطق گردنشین ایران شده است. (حق پناه، ۱۳۹۴). رویکردهای زیادی در تحلیل بن بست طولانی ایران و آمریکا وجود دارد. ما می توانیم آنها را به دیدگاه های عینی و ذهنی طبقه بندی کنیم. ما می توانیم تنش ایران و آمریکا را به دلایل واقع بینانه و ژئوپلیتیک توضیح دهیم. اما تحلیل گفتمان رویکردی ذهنی است که نشان می دهد واقعیت های اجتماعی به شیوه ای گفتمانی توسط بازیگران اجتماعی ساخته می شوند. تأثیرپذیری استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق در راستای منافع بلندمدت اسرائیل و آمریکا از گفتمان های متفاوت و همچنین منافع سیاسی متضاد ایران و ایالات متحده است. (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲)

در رویکرد گفتمانی، پدیده های اجتماعی و مفاهیم اجتماعی مانند تروریسم، به عنوان آنچه ضدبنیادگرایی مطرح می کند، یک جوهر یا معنای ثابت را از دست می دهند. که تعریف و تعیین مصادیق تروریسم از سوی نیرو های کرد و جنبش های جدایی طلب اقدامی گفتمانی از سوی ایران و آمریکا است، بنابراین دلایل ذهنی وجود دوگانگی بین ایران و آمریکا در توصیف تروریسم یا «جنبش های مقاومت» در خاور میانه را توضیح می دهد. (El-Nashar Mohamed, Nayef Heba, 2019)

ایالات متحده و ایران رویکردی گفتمانی را در جهت تعریف و نمونه سازی تروریسم در خاورمیانه دنبال می کنند. ویژگی کلیدی گفتمان ایالات متحده در مورد تروریسم، فرآیند سیاسی شدن و «دیگری سازی» است. در این منظر، دال، یعنی تروریسم، با برخی مصادیق مشهود آن، تا حدی در خدمت سیاست خارجی آمریکاست. در حالی که مقامات ایرانی اغلب اعمال برخی از آن «دیگران» را به عنوان مقاومت مشروع در برابر تحقیر و اشغال تفسیر می کنند. ایران تروریسم

را عمدتاً ایدئولوژیک تفسیر می‌کند و سازمان‌های تروریستی خودی و منطقه‌ای مانند پژاک و پ.ک.ک را به عنوان دست‌نشانده‌هایی که توسط آمریکا و اسرائیل سازماندهی شده‌اند، وابسته می‌کند. در حالی که در واقعیت، دیدگاه ایران ظاهراً با واقعیت‌ها مطابقت ندارد: ائتلاف به رهبری ایالات متحده به طور مؤثری به ناپدید شدن داعش کمک کرد.

مقامات ایالات متحده به نوعی با تروریسم رفتاری دوگانه دارند و نقش تاریخی خود را در رشد تروریسم در خاورمیانه نادیده می‌گیرند. همچنین تا حدی به مقامات ایرانی در مورد باندهای تروریستی داخلی و مخالفانی که به کشورهای دیگر گریخته اند صادق است. اما با توجه به عدم تعادل قدرت دو کشور و به لطف امپراتوری رسانه ای آمریکا، این امپراتوری در تحکیم تعریف خود از تروریسم یا ثبات نسبی بین دال و مدلول برای جهان موفق تر بوده است. بنابراین، تلاش آمریکا در مفهوم‌سازی تروریسم و الگوسازی گروهک های کردی نباید به عنوان یک فراگفتمان تلقی شود که باید مورد پذیرش همه جهان باشد. اما در واقع، این فقط یک گفتمان است، در میان دیگران، که دانش مغرضانه ای را تحت تأثیر منافع قدرت تولید می‌کند. از سوی دیگر، این روایت تا حدودی در مورد گفتمان ایران درباره تروریسم صادق است. حمایت ایران از موسوم به «محور مقاومت» علیه اسرائیل، آمریکا و عربستان سعودی، گفتمانی است که تا حدی با منافع ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی آن نیز در هم تنیده است. (موسوی زاده، جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۷۶)

جدول ۲- تهدیدهای حضور اسرائیل و آمریکا در اقلیم کردستان عراق

ردیف	تهدیدهای حضور اسرائیل و آمریکا
۱	تشدید حضور اسرائیل و آمریکا (همسایه ی ناخوانده) پساز استقلال خواهی این اقلیم در نزدیکی مناطق مرزی کُردنشین ایران
۲	پشتیبانی مالی و نظامی از گروههای تجزیه طلب کُردی و استفاده از توان نظامی آنها در ایجاد ناامنی در مناطق کُردنشین ایران
۳	ستقرار پایگاه های جاسوسی آنان در این اقلیم با هدف ایجاد چتر اطلاعاتی و امنیتی در مناطق مرزی کُردنشین ایران
۴	ترویج قومیت گرایی و تشدید تمایلات استقلال خواهی در مناطق کُردنشین ایران
۵	تلاش در جهت ایجاد همگرایی میان اکراد با هدف مقابله با نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی

۶	بهره برداری از شکاف های قومی و مذهبی برای راه اندازی جنگ های نیابتی با هدف تقویت حضور دائمی خود در مرزهای غربی ایران
---	--

اسرائیل و آمریکا با حضور خود در این اقلیم راهبرد فشار بر ایران را دنبال می کنند. زیرا جمهوری اسلامی همواره از حزبالله لبنان حمایت کرده و از آن به عنوان اهرم فشار علیه آنان استفاده نموده، پس اسرائیل و آمریکا تلاش می کنند با تشکیل گروه های شبه نظامی از اکراد، اهرم فشاری مانند حزبالله لبنان در منطقه علیه ایران به وجود آورند. هدف آنان از این استراتژی بهره برداری از شکاف های قومی و مذهبی برای راهاندازی جنگهای نیابتی در خاورمیانه و تقویت حضور دائمی نیروهای نظامی و اطلاعاتی خود در مرزهای غربی ایران و کشورهای محور مقاومت می باشد. سناریوی استقلال خواهی کُردها را باید سناریوی کردستان بزرگ نامید که کلیدزدن به یک حرکت قومی و اهرم فشاری در دستان اسرائیل و آمریکا برای کنترل ایران، عراق، ترکیه و سوریه است. از طرفی با توجه به دیدگاه ضد شیعی گروه های کردی تجزیه طلب، به ویژه پژاک و پ.ک.ک، کاملاً مشخص است که امنیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای شیعی منطقه مورد تهدید قرار می گیرد.

۵- گروهک های کردی تجزیه طلب و تروریسم سایبری

نقش انکارناپذیر توسعه بشری در عرصه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی را در کره زمین در عصر حاضر به هیچ عنوان نمی توان نادیده گرفت. فناوری های معرف به نرم افزارها امروزه تمام ابعاد زندگی بشری را در کلیه حوزه های جغرافیایی تحت تاثیر قرار داده است. تاثیر این روند جدید بر جغرافیای سیاسی نیز کاملاً مشهود بوده و جا را برای تحقیقات و پژوهش های گسترده در این حوزه فراهم کرده است، زیرا فناوری های بنیادین فضای مجازی، در فرهنگ، حیات اجتماعی، الگوهای تعاملی میان دولت ها و ماهیت تهدیدات نقش موثر و پراهمیت دارد و این بیانگر آن است که محیط تهدیدآفرین علیه امنیت ملی دولت ها دیگر محدود به جهان واقعی نیست، بلکه جهان مجازی نیز همپای جهان واقعی، محیطی تهدیدزا برای دولت هاست. گروهک تروریستی حزب آزادی کردستان اقدام به ایجاد یک گروه سایبری متشکل از عناصر باسابقه و مسلط به فضای مجازی و تبلیغ

در رسانه ها نموده و با استفاده از صفحات جعلی ایجاد شده به نام عناصر تازه وارد به گروه، بدون اطلاع و رضایت آنها در فضای مجازی فعالیت می کنند. عمده ترین و گسترده ترین بزه دیدگان تروریسم سایبری گروهک های کردی، زیرساخت های حیاتی و اطلاعاتی مهم کشور هستند. منظور از شبکه های حیاتی شبکه هایی هستند که در صورت اختلال به مدت هرچند کوتاه یا عملکرد نادرست، زندگی روزمره مردم و یا عملکرد عادی دستگاه های اجرایی کشور و مأموریت آنها را مخدوش می کند. جذاب ترین هدف برای حملات تروریستی سایبری و تروریسم سنتی، اقدام به تخریب یا اختلال در تأسیسات و داده های رایانه ای و مخابراتی سازمان هایی است که قسمت بزرگی از امور اجرایی کشور و فعالیت های شهروندان به آنها وابسته است. انتخاب چنین اهدافی نیز، به دلیل جلب توجه عموم جامعه و به خصوص جامعه جهانی به اقدامات و خواسته های آنان است. (Mousavifard, M., et.al. 2019: 1-13)

بر اساس آیین نامه اجرایی بند ۱۱ ماده ۱۲۱ قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه کشور، مراکز و تأسیساتی که ممکن است هدف بالقوه ای برای دشمنان تلقی گردند، به سه دسته تقسیم می شوند که عبارت اند از: ۱. مراکز حیاتی: مراکزی که دارای گستره فعالیت ملی هستند و وجود و استمرار فعالیت آنها برای کشور حیاتی است و آسیب یا تصرف آنها به وسیله دشمن باعث اختلال کلی در اداره امور کشور می گردد. ۲. مراکز حساس یعنی، مراکزی که دارای گستره فعالیت منطقه ای هستند و وجود و استمرار فعالیت آنها برای مناطقی از کشور ضروری است و آسیب یا تصرف آنها به وسیله دشمن باعث بروز اختلال در بخش های گسترده ای از کشور می گردد. ۳. مراکز مهم: یعنی، مراکزی که دارای گستره فعالیت محلی هستند و وجود و استمرار فعالیت آنها برای بخشی از کشور دارای اهمیت است و آسیب یا تصرف آنها به وسیله دشمن باعث بروز اختلال در بخشی از کشور می گردد.

کردستان عراق در دو دهه گذشته یک سیاست خارجی مستقل از دولت مرکزی عراق اتخاذ کرده است. این سیاست خارجی مبتنی بر مدل و استراتژی متفاوتی است که هدف آن استقلال است. در این راستا، با توجه به اهمیت و ماهیت تعیین کننده سیاست منطقه ای ایران در مواجهه با

تحولات منطقه‌ای مانند تجزیه کشورهای همسایه و موضع تهران در قبال استقلال کردستان عراق، اربیل در حال بهره‌برداری از مدل استراتژیک موازنه تهدید به سمت منطقه است.

۶- پیامدهای نفوذ گروه‌های کردی تجزیه طلب و قطب‌های قدرت منطقه بر امنیت ملی

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی خاورمیانه با دو دسته از موانع و تهدیدهای متعارف و غیر متعارف گروه‌های کردی تجزیه طلب مواجه می‌باشد. تهدیدهای متعارف به فعالیت‌های ایالات متحده، رژیم اسرائیل و عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود. تهدیدهای غیر متعارف به فعالیتهای تروریستی پژاک و پ.ک.ک در امتداد مرزهای غربی جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود که امنیت ملی ایران را در معرض خطر قرار داده است.

جهت مبارزه با این تهدیدات این گروهک‌ها، جمهوری اسلامی ایران دو سیاست جدی را اتخاذ کرده است: از یک طرف، جمهوری اسلامی ایران با سعی و تلاش فراوان، با گروه‌های تروریستی از قبیل پژاک و پ.ک.ک در خاک عراق و سوریه در حال جنگ می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به دنبال حفظ امنیت ملی و منطقه‌ای خود و جلوگیری از هرگونه تغییر سیاسی-امنیتی از طریق رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود می‌باشد. از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران از طریق شکل دهی به یک ائتلاف نظامی با روسیه، به عنوان یک قدرت نظامی برتر، به دنبال حفظ نظام سیاسی جاری در سوریه می‌باشد.

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تنها به حفظ تمامیت ارضی کشور یا حاکمیت و استقلال آن محدود نمی‌شود، بلکه در نگاه جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی عبارت است از: فقدان هرگونه تهدید ضد ارزش‌های مکتبی جمهوری اسلامی و عدم تهدید نسبت به آن‌ها. راهبرد جمهوری اسلامی ایران در این منطقه محصور از سوی دشمنان، یک موضوع بحث انگیز در دهه‌های اخیر بوده است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳).

جمهوری اسلامی ایران همواره در صدد بوده است تا خود را به عنوان یک بازیگر کلیدی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه خاورمیانه معرفی نماید. این در حالی است که ایران در بحران‌های عراق و افغانستان، به ویژه پس از شکل‌گیری تروریسم، محاصره شده است. البته، این

امر باعث شده است تا جمهوری اسلامی ایران اتحاد قویتری را با دولتهای هر دو کشور ایجاد کند، چنین معادله ای، ایران را در معرض یک کشمکش بر سر موازنه قوا با بازیگران بیرونی و منطقه ای قرار داده است.

استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق و تاثیر عوامل خارجی بر مباحث قومی ایران به دلیل مجاورت و پیوندهای قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی اقلیم کردستان عراق با مناطق کُردنشین ایران در تشدید مطالبات قومی و تبدیل استقلال خواهی این اقلیم به عنوان کانون و محور هم گرایی مناطق کُردنشین ایران با کُردهای اقلیم کردستان عراق نقش اساسی داشته و موجب بحران قومی و تضعیف انسجام ملی مناطق کُردنشین ایران شده است. حضور فعالانه احزاب و گروهک های کردی معاند جمهوری اسلامی ایران در این منطقه، همه و همه نشان دهنده این موضوع است که اقلیم کردستان می تواند جایگزین مناسبی بجای سایر کشورهای منطقه و حتی دولت مرکزی عراق جهت کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای باشد چرا که تداوم حضور آمریکا در مناطق تحت کنترل دولت مرکزی عراق به واسطه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در ساختار سیاسی این کشور به خصوص در احزاب سیاسی تشکیل دهنده حشدالشعبی مانع بزرگی جهت این تداوم حضور محسوب می گردد و آمریکا و شرکای اروپایی اش نیز به راحتی منطقه سوق الجیشی اقلیم کردستان عراق را که می تواند محلی جهت کنترل و نظارت بر تحرکات و فعالیت های کشورهای ایران، ترکیه، سوریه و عراق باشد را نادیده نخواهند گرفت. اقلیم کردستان عراق به واسطه هم مرز بودن با جمهوری اسلامی ایران از لحاظ امنیتی برای اسرائیل منحصر به فرد بوده و در قالب شرکت های تجاری پوششی چه تاثیری به لحاظ امنیتی می تواند بر روی فعالیت های هسته ای و موشکی ایران داشته باشد.

مجموعه امنیتی کردستان عراق با توجه به وجود انواع تضادها و اختلاف های موجود در آن از نوع مجموعه امنیتی استاندارد می باشد. بر اساس نظریه بوزان و ویور، در مجموعه های امنیتی استاندارد یک نوع موازنه قدرت بین قطب های قدرت آن، که بیشتر مواقع نیز دو قطبی می باشد، وجود دارد. این امر باعث می شود تا همواره یک نوع موازنه سازی در بین قدرت های بزرگ آن منطقه شکل بگیرد.

سیاست خارجی و استراتژی ایالات متحده آمریکا در کردستان عراق همواره یکی از دغدغه های کشورهای پیرامونی عراق، از جمله ایران، ترکیه و سوریه بوده است. ارزیابی این سیاست در

منطقه استراتژیک کردستان عراق، با این تصور که مناطق کردنشین سه کشور دیگر این منطقه (ایران، ترکیه و سوریه) از این سیاست ها و تحولات متأثر می شوند، به موضوع مورد مطالعه، اهمیتی دو چندان می بخشد. کاوشی راهبردی و آسیب شناسانه براساس عوامل موثر بر دستگاه تصمیم گیری سیاست خارجی امریکا (مسئله مورد تصمیم، دست اندرکاران، فرآیند و اجرای تصمیم و نتیجه تصمیم گیری) در شمال عراق طی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ و بررسی تاثیرات این سیاست ها بر امنیت ملی ایران قابل تامل است. به نظر می رسد در این دوره «سیاست خارجی امریکا در کردستان عراق بر روی محور «حداقل حداکثرها» و «حداکثر حداقل ها» و میان مدل های تصمیم گیری عقلایی و رضایت بخش در نوسان بوده است. این سیاست خارجی لزوماً به معنای اتخاذ یک استراتژی مناسب که همواره با سیاست ها و تاکتیک های مناسب همراه باشد، نبوده و ابهامات و تناقضات بسیاری دارد.

اتحاد طبیعی اسرائیل و کردهای عراق، در واقع تداوم استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل در خاورمیانه برای خروج از انزوا و گسترش حضور در منطقه است. این مسئله در پرتو تحولات نوین در کردستان عراق و گسترش فعالیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کردها در این کشور، زمینه مناسبی را برای توسعه حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه کردستان عراق به وجود آورده است. بر این اساس، اسرائیل همکاری های پنهان و گسترده ای را با کردها آغاز کرده و با حضور مستقیم در منطقه و یا نفوذ در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی کردستان، به دنبال ایجاد متحد استراتژیک جدیدی در خاورمیانه بر مبنای دکترین «اتحاد پیرامونی» است. این مسئله سبب افزایش حساسیت دولت های منطقه و به ویژه چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه نسبت به تعاملات اسرائیل و کردها شده و به اخبار و اطلاعات منتشره در مورد حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه دامن زده است؛ به گونه ای که در پاره ای از موارد به ویژه در رسانه های ترکیه و کشورهای عربی منطقه، ابعاد این روابط بزرگ نمایی شده و در حد وسیعی گسترش یافته است.

بر مبنای ابعاد امنیتی بیان شده در نظریه ی مجموعه ی امنیتی منطقه ای بوزان تهدیدهای سخت امنیتی استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق ابعاد مختلف امنیت ایران و سایر کشورهای دارای سکنه ی کُرد را تحت تاثیر قرار داده و قومیت را به معضلی کلیدی برای ایران و کشورهای دارای قومیت کُردنشین تبدیل کرده است. (برزگر، ۱۳۹۷).

براساس این نظریه دو کشور ایران و عراق در یک مجموعه ی امنیتی منطقه ای قرار دارند و هرگونه تحولی در یک عضو (اقلیم کردستان عراق) بر عضو دیگری (مناطق کُردنشین ایران) تاثیرگذار می باشد. بنابراین استقلال خواهی این اقلیم نقش بالقوهای در تضعیف تمامیت ارضی مناطق مرزی کُردنشین ایران دارد.

اما با توجه به این مطلب اصولاً تهیه اسناد چشم انداز بلند مدت موضوعی است که در سالهای نامبرده توجه دولتمردان اکثر کشورها را به خود جلب کرده است تا بر اساس آن بتوانند دورنما و آینده حرکتی کشور را در نگاه چندین ساله ترسیم و روند برنامه ریزی کشور را در جهت تحقق اهداف مشخص شده رهنمون نمایند. خوشبختانه مراجع ذی صلاح جمهوری اسلامی ایران با توجه به عواملی همچون ضرورتها و الزامهای ناشی از آرمانهای قانون اساسی، تحولات بین المللی و حاکمیت فضای نوین اقتصادی در جهان، تحولات علمی و فناوریهایی نو، نظریات علمی، شناخت امکانات و محدودیت های محیطی، بهره گیری از تجارب خود و دیگران و همچنین واقعیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور، سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴ (۲۰۲۵ میلادی) را برگزیده اند تا کشور ایران در طی ۲۰ سال برنامه ریزی و اجرای درست، به کشوری توسعه یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام، همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل تبدیل گردد. یکی از بندهای مهم در سند چشم انداز کشورمان، تعیین عمق استراتژیک (به تعبیر دیگر عمق حوزه نفوذ) برای تأمین امنیت در ابعاد مختلف و بازدارندگی دشمن از دست زدن به اعمال خصمانه است.

نتیجه گیری

پیدایش گروهک هایی همچون پ.ک.ک، کومله و پژاک را می توان در چارچوب مقابله امریکا، غرب و رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران تفسیر کرد. این گروهک نه تنها در درون جامعه کردی اعم از کرد ایران و عراق جایگاه مقبولی در افکار عمومی نیافته است بلکه به دلیل ماهیت نامشروع خود هیچ کشوری یا نهادی در جهان یافت نمی شود که از این گروهک به طور آشکار حمایت کند. کشورهای آلمان، آمریکا و رژیم اشغالگر قدس که از حامیان اصلی این گروهک به شمار می روند دست کم به طور رسمی هیچ گاه این گروهک و اقدامات آن را تأیید نکرده اند و حتی

آلمان و آمریکا به ظاهر آنها را محکوم کرده و گاه اقداماتی در جهت مقابله با آنان را به نمایش گذاشته‌اند. دستگیری موقت سرکرده پژاک در آلمان و قرار گرفتن نام آن در فهرست گروه‌های تروریستی وزارت خارجه آمریکا تنها برای گمراه کردن افکار عمومی و حفظ چهره به ظاهر تمدنی آنان است. نمایشی بودن و غیرواقعی بودن این اقدامات هنگامی آشکار می‌شود که اخبار پی‌درپی از منابع مختلف ارتباط مؤثر آمریکا و رژیم صهیونیستی با پژاک را تأیید می‌کند. ارتباطی که مقامات آمریکایی و غربی و منابع صهیونیستی نیز به آن اعتراف کرده‌اند، همچنین اعضای گروهک پژاک به آن اذعان داشته‌اند.

بر اساس نظر یوزان سموقعیت جغرافیایی اقوام معادل امنیت ملی را پیچیده تر کرده است. اقوام مختلف و اقلیتهای مذهبی در حساسترین حوزه های راهبردی کشور و جداره های مرزی اسکان یافته اند که عقبه آنان در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثر گذاری حاکمیت ملی قرار دارد، متاسفانه شیب برخی از این حوزه ها به خارج از کشور است و از ابعاد ذیل موجب تهدید و آسیب شناسانه تلقی میشوند. شکافها و تعارض گروه های متنوع نقش مهمی در میزان ثبات با ایجاد بی نظمی و نا امنی کشور دارد. این شکافها و تعارضات ممکن است متقاطع یا موازی، فعال یا غیرفعال، واحد یا متعدد باشند. تعداد گروه ها، موازی بودن آنها و فعال شدن شکافها موجب اختلاف با سایر مناطق و دولت مرکزی و در نتیجه بی ثباتی و نا امنی میگردد که در ایران قابل مشاهده است، زیرا در اغلب مناطق قومی نشین کشور، تضاد قومی و نژادی با تضاد زبانی و تفاوت مذهبی همراه است، بالطبع اگر این تضادها فعال شود و شکافها عمیق گردد موجب نا امنی خواهد گردید. تدوین تردید گروهک پژاک با اقدامات تروریستی و خرابکارانه خود در سال های اخیر موجبات نگرانی مردم مسلمان کرد و غیر کرد آذربایجان غربی و کردستان و امیدواری دشمنان ملت ایران را فراهم کرده است. عقاید ضد دینی و ضد انسانی پژاک و عملکرد خیانت بار آن و استفاده های ابزاری از احساسات و عواطف انسانی و قومیتی کردها بیش از هر زمانی آشکار شده است. سابقه فعالیت های سیاسی در کردستان و عملکرد احزاب و تشکل های سیاسی در این منطقه نشان می دهد که اگر افراد و احزابی که ادعای دفاع و احقاق حقوق خلق کرد را دارند، از جنس خود مردم نمی باشند. دیر یا زود با نفرت و بیزاری مردم روبرو خواهند شد.

عمده ترین موارد مهم، که باعث چالش بین کردستان عراق با امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران پیوند خورده شامل تشابهات قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی بین کردستان عراق و مناطق مرزنشین مرزهای جمهوری اسلامی ایران با کردستان عراق می باشد، هرگونه تغییرات در این منطقه بازتاب هایی در حوزه امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران دارد. بنابراین حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه کردستان عراق، در راستای تحقق اهداف راهبردی این رژیم، از جمله ایجاد یک متحد استراتژیک جدید در منطقه می باشد که در نهایت می تواند تهدیدات جدی امنیتی (مانند ایجاد قلمرو استراتژیک برای اسرائیل در نزدیکی مرزهای ایران، مقابله با حضور و نفوذ ایران در عراق، ایجاد محیط بحران با حمایت از استقلال کردستان عراق و تجزیه عراق، ..) برای ج.ا. ایران در بر داشته باشد.

فهرست منابع

- بوزان، بری، الی ویور و یاپ دو ویلد (۱۳۹۴). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، چاپ سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۷). عامل ایرانی در موازنه قدرت در حال ظهور در خاورمیانه، تهران: مرکز مطالعات مطالعات خاورمیانه.
- حق پناه، جعفر (۱۳۹۴). کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- رهنما، جهانبخش (۱۳۸۸)، پایان نامه بررسی تحلیلی نقش پژاک در تشدید واگرایی مناطق کردنشین ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- عباسی، مجید و دیگران (۱۳۹۲). راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین الملل، سیاست خارجی، (۱)۲۷.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- محمدیان، علی؛ ترابی، قاسم (۱۳۹۵). تبیین تاثیرات تحولات عراق بر اقلیم کردستان، علوم سیاسی، ۱۸(۷۲).
- موسوی‌زاده، علیرضا؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۸). جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانشنامه حقوق و سیاست، ۳(۱۱).
- Andreea Stoian, Karadeli, (2019), "Relations between Iran and Syria – A Marriage of Convenience or an Axis of Resistance?", 18. June 2019. Available at: <https://euro-sd.com/2019/06/articles/13604/relations-between-iran-and-syria-a-marriage-of-convenience-or-an-axis-of-resistance/>
- Buzan, B., Waeber, O. (2015). Regions and Powers, The Structure of International Security, Cambridge: Cambridge University Press.
- Mousavifard, M., et.al. (2019). A Look at the Conflict of Thought and Action against Women in Terrorist Groups in Opposition to International Laws and Conventions with Emphasis on PJAK's Performance from Pukk, Journal of Science and Engineering Elites, 4(6), 1-13. (In Persian)

- Mousavifard, M., et.al. (2019). A Look at the Conflict of Thought and Action against Women in Terrorist Groups in Opposition to International Laws and Conventions with Emphasis on PJAK's Performance from Pukk, Journal of Science and Engineering Elites, 4(6), 1-13. (In Persian)
- Munoz, Carol .(2017). “White House: Bid for an independent Kurdish state would be ‘significantly destabilizing””, <http://www.washingtontimes.com/news/2017/jul/13/kurdish-referendum-vote-opposed-white-house>.
- Rajabi, M. (2019). The Position of the Iraqi Kurdistan Region in the Regional Policies of the United States of America in West Asia, Political Research in the Islamic World, 9(2), 27-52. (In Persian)